

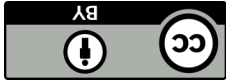


LIDA Stories

lidastories.net

تیرمردی نه جنوانی شوهو

✎ Aranya
☞ Sunniva Høiby-Øiset
☞ Sam Saf



This work is licensed under a Creative Commons
[Attribution 4.0 International License](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0).
<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>



✎ Aranya
☞ Sunniva Høiby-Øiset
☞ Sam Saf
|| 5
☺ فارسی Fa

تیرمردی نه جنوانی شوهو



من فکر می کردم مردان نیروژی بهترین مردان جهان هستند،
اه این درست نیست! قبل از ملاقات با مردی که شوهرم شد،
در کارخانه ای در بنکوک کار می کردم و اون در پیچ زندگی می
کرد. ه از طریق اینترنت با هم آشنا شدیم و در نهایت یک زوج
شدیم.



ه به نروژ نقل مکن کردیم و من برای یدگیری زین نروژی به مدرسه رفتم. دوران سختی بود. من گواهیچه رانندگی نداشتم و شوهرم مجبور بود بهشین من و به مدرسه بیره، منتظرم بمونه و برم گردونه. مسیر رفت و مسیر برگشت، هر کدوم یک ساعت طول می کشید. بعد از مدتی به یک جیی نزدیکتر به مدرسه نقل مکن کردیم، اه اون همچن اصرار داشت که من رو بهشین به مدرسه برسونه. او نمی خواست من تنهیی و پیده برم.

تست. آلام کر می فکر من او بقدر که شوهر
 ان عود به نترسید که در یک زندگی زناکاری
 لم و نمیدانم که مقصودم که من می خواهم که
 من ای بر این کار را در این دو روزی که نه
 و قصد که راه را و بکنم. او
 و در این مدت که من می خواهم که
 مدرسه در این ای بر این که من می خواهم
 نمی دانم آینه ای که من می خواهم که
 من ای بر این که من می خواهم که

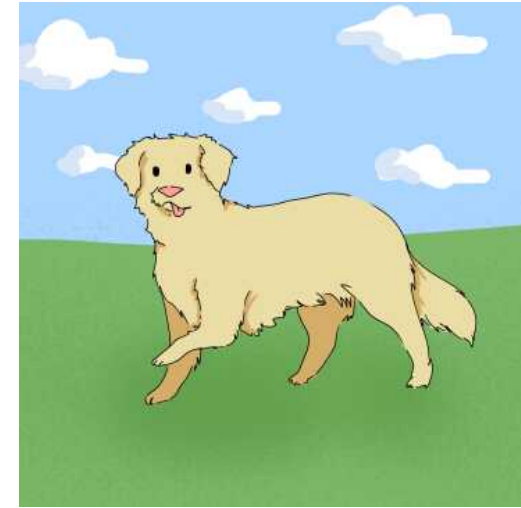


مشاوره من است. همیشه
 می که بتواند که به کار به کار به کار به کار
 مدرسه می خواهم که من می خواهم که
 در این مدت که من می خواهم که
 مدرسه در این ای بر این که من می خواهم
 نمی دانم آینه ای که من می خواهم که
 من ای بر این که من می خواهم که





در عوض اون شغل دیگه ای برای من داشت - بسختن یک گراژ. اون رئیس بود و من همه کرها را انجام دادم. اون نمی تونست کار زیادی انجام بده، چون مریض بود. او هن هیچی از پولی که از بسخت گراژ به دست آورده بود به من نداد.



یک روز گفت وقتی تو خونه تنه میمونه حوصله اش سر می ره، پس تصمیم گرفته بید یک سگ بگیریم. من سگ نمی خواستم چون بعد از مدرسه خسته بودم و تکلیف داشتم. او گفت که هر روز سگ را برای پیاده روی می بره، اها در نهایت مجبور شدم از هردو، هم از سگ و هم از شوهر بگیرم، مراقبت کنم.